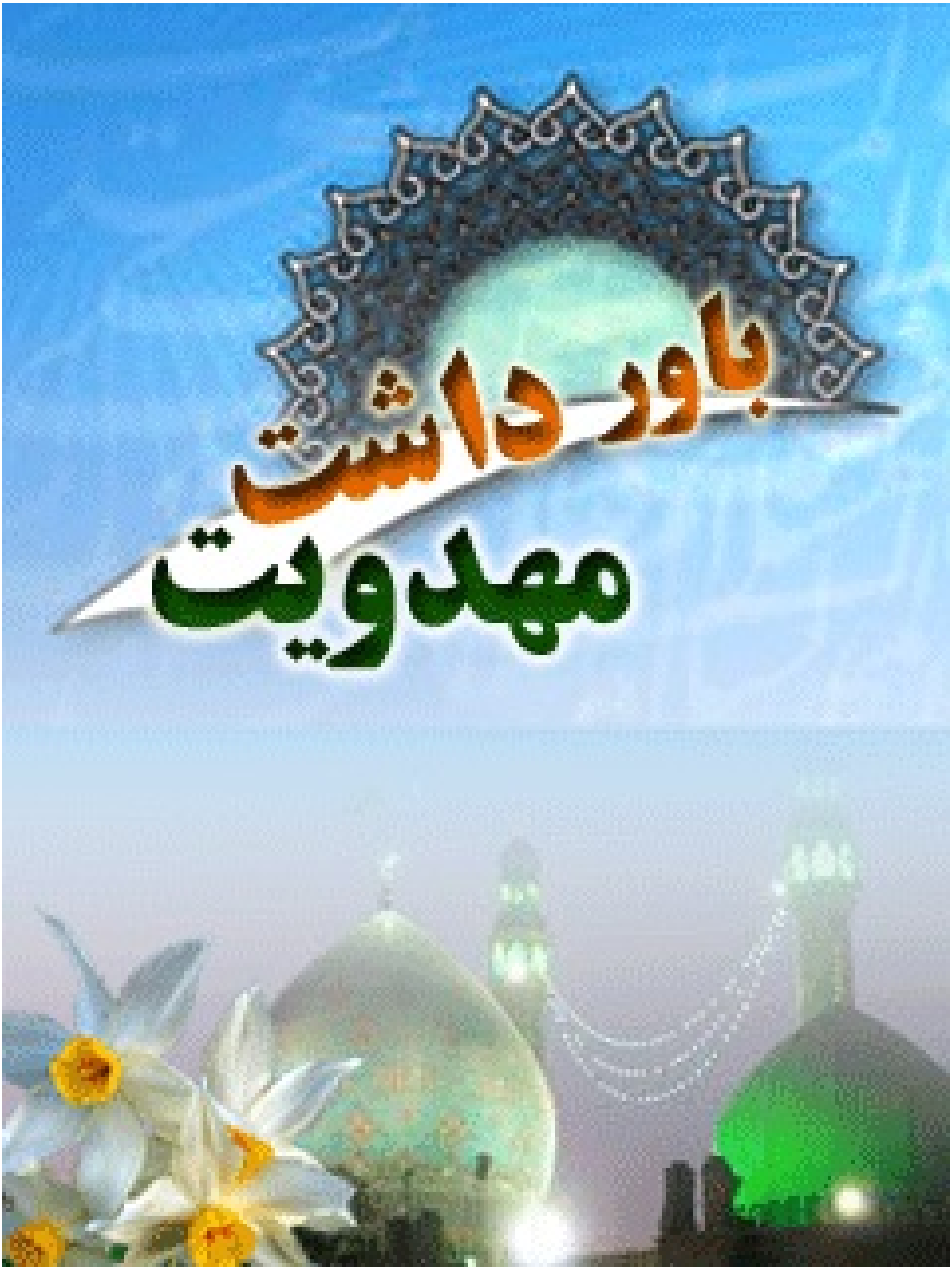

باور داشت
مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

باورداشت مهدویت

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

باورداشت مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله ، ۱۲۹۷ -

عنوان و نام پدیدآور: باورداشت مهدویت/ لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۱۷

فروست: سلسله مباحث امامت و مهدویت ؛ ۱۳.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: م ح م د بن حسن (عج)، امام دوازدهم ، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس خداوند جل و علی را که عنایت نمود در آستانه یک هزار و یکصد و شصت و دومین سالروز ولادت پر برکت حضرت ولی عصر حجه ابن الحسن العسکری ارواحنا فداه چهارده اثر از سلسله مباحث امامت و مهدویت به قلم حامی و مروج مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و نگهبان مخلص مرزهای عقیده، مرجع عالی قدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (مد ظله تعالی) را به منتظران و شیفتگان لقای آن حضرت تقدیم نماییم. این آثار گران قدر شامل بحثها، پرسشها و پاسخهای گوناگون پیرامون زندگی، خصائص، اوصاف، غیبت و ظهور آن حضرت، توسط آن مرجع بزرگ در سنوات گذشته در مناسبتها و فرصت هایی پیرامون موضوع بسیار ارزنده و بنیادین

[صفحه ۶]

ولایت و امامت عامه و خاصه خصوص امامت و مهدویت حضرت بقیه الله مولانا حجه بن الحسن العسکری ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه تالیف و بوسیله ناشران معتبر کشور مکررا چاپ و نشر گردیده است. سیزدهمین اثر از این سلسله مباحث به نام باورداشت مهدویت است، امیدواریم چاپ این کتاب شریف مورد رضای خداوند متعال و منظور نظر کیمیا اثر حضرت بقیه الله مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و عاکفان عتبه مقدس آن غوث زمان و قطب

جهان قرار گیرد. بمنه و کرمه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۱۷

[صفحه ۹]

باورداشت مهدویت

بدون شک، عقیده به مهدویت و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی عالم بشریت باوری صرفا اسلامی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی از بزرگان و صاحب نظران به متواتر بودن [۱] احادیث وارده در این باب حکم نموده اند. این باورداشت، به عنوان اندیشه ای اسلامی، بر پایه قویترین برهان های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیار آن، بهترین تایید بر صحت و متانت آن به شمار می رود و هیچ یک از مسلمانان - چه از شیعیان و چه از اهل سنت - به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از تازه به دوران رسیدگانی که تحت تاثیر

[صفحه ۱۰]

تبلیغات غربیان قرار گرفته و در دام های استعمار گرفتار آمده و فرهنگ را جز با انکار الهام و روایات قطعیه و یا تعریف و تاویل آن در چهارچوبه مقاصد منکرین دیانت و مادی گرایان تفسیر و تحلیل نمی کنند. این کژاندیشان بدین وسیله کوشیدند. تا دری را بگشایند که اگر - خدای نخواسته - گشوده گشت، دیگر راهی برای اعتماد بر سنت و استناد به آن و اطمینان به ظاهر کتاب و سنت باقی نمی ماند و آیین شریف اسلام و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس خواسته بدعت گزاران و هواپرستان، دستخوش تغییر و تحریف قرار می گیرد. براستی

اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کار آموزدگان و نام آوران این رشته در گذشته و حال به تواتر و قطعی بودن آنها تصریح کرده اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که خبر واحد [۲] شمرده می شوند، یا حد اقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟ گروهی از اندیشمندان اسلامی نسبت به این گونه منحرفین از کتاب و سنت، که با جرات و جسارت نسبت به ساحت قدس خداوند و پیامبر گرامیش صلی الله علیه و آله، به ایجاد شک و تردید و تحریف، در اصل مسلم مهدویت پرداخته اند، اعلام خطر نموده، و کتابها و مقالاتی را در رد و ابطال نظریات آنان نگاشته اند.

آنچه مسلم است اینکه، در پس پرده این توطئه، جز دستهای پلید کسانی که در صدد سست کردن اعتقادات مسلمانان و خدشه دار کردن متون اسلامی هستند، دستی را نمی توان دید. در گذشته همین التزام و اعتقاد و پایبندی مردم به کتاب و سنت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که دشمنان و استعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسلامی باز می داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می بست و اکنون نیز به خوبی پیداست که چیزی جز سست شدن همین مبانی اعتقادی و کم شدن پایبندی ها به قرآن مجید و روایات شریفه نیست، که راه نفوذ و سلطه را بر بیگانان گشوده است! - خداوند ما را از فتنه های گمراهان و هواپرستان و مزدوران استعمار در امان بدارد - خنده

آور است که این بی خبران و غرب باوران - که به شدت دور از شناخت حقایق اسلامی و فهم مصالح مسلمین اند - در تضعیف باور مهدویت و احادیث مربوط به آن، گاهی به این بهانه تمسک جسته اند، که این عقیده اصولاً از عقاید پیشگامان اهل سنت نیست و در بین صحابه قرن اول هجری و تابعین ذکری از آن به میان نیامده است. گاهی دایه مهربانتر از مادر شده، این عقیده را سبب اختلاف و درگیری بین مسلمانان و قیام علیه حکومت ها و موجب تبلیغات سیاسی دانسته اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره ای از احادیث این باب است، استناد کرده اند. [۳] .

و همه اینها، از عجیب و غریب ترین نوع استدلالاتی است که در رد سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله به آن تمسک شده است. از آن رو که: اولا: بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اول اسلام و بر اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله و اولین پایگاه برای نشر عقیده به مهدویت در بین مسلمانان بوده اند، چه دلیلی قوی تر و محکم تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی ترین و معتبرترین کتاب های اهل سنت؟! و چه برهانی روشن تر از اجماع علمای مسلمین، و اینکه آنان هیچ کس از مدعیان مهدویت را با استناد به عدم صحت ظهور مهدی علیه السلام رد نکرده اند، بلکه در رد ادعای چنان افرادی، به عدم وجود صفات و نشانه های خاص مهدی علیه السلام در آنها استناد کرده

انـد. چنانکه حکایت محمـد بن عجلان با جعفر بن سـلیمان و آنچه فقیهان و اشـراف اهل مدینه درباره آنان گفته اند، شاهدی آشکار در این زمینه به شمار می رود. [۴] .

[صفحه ۱۳]

پس اگر این همه احـادیث، با توجه به فراوانی و تواتری که دارنـد و با عنایت به اجماع و اتفاقی که از ناحیه علمای اسـلامی بر مضـمون این احادیث صورت گرفته است، نتوانـد دلیل بر صـحت و اسـتواری عقیده به مهدویت باشد پس به کدامین دلیل می توان اسـتناد کرد؟ و درستی انتساب کدامین عقیده اسلامی به صحابه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می توان اثبات نمود؟ ثانیا: شایـد هرگز هیـچ عقیده و یا اصـلی را نتوان یافت که بر سـر آن اختلاف و درگیری و نزاع صورت نگرفته باشد. حتی می توان گفت که پیرامون مسائل خداشناسـی و نبوت پیامبران الهی علیهم السلام نیز نزاع ها و درگیری ها، بیش از مسئله مهدویت به وقوع پیوسـته است. چنـانکه بین مکتب اشـاعره و غیر آنـان و بین پیروان مـذاهب شـافعی، حنفی، حنبلی، مـالکی و غیر آنان درگیری هـا بلکه جنـگ های خونین بسـیار اتفاق افتاده است. بلکه می شود گفت: بر سـر مفاهیمی همچون عـدالت و امنیت و سـایر مفـاهیمی که همه انسـان هـا بر لزوم آن اتفـاق نظر دارنـد و بر سـر تحقق آنها و یا دفع کسانی که آنها را وسـیله ای برای مقاصـد سیاسـی خویش قرار می دادنـد، جنـگ های خانمان برانـداز و معرکه های خونینی در گرفته است و چه بسا که تعـداد قربانیان بشریت، که به اسم اقامه حق

[صفحه

و رعایت عدالت و برابری و حمایت از آزادی انسان و حقوق او به خاک و خون غلطیده اند، بیشتر از تعداد قربانیان هر موضوع و عنوان دیگری باشد. نتیجه اینکه، پوشیده شدن حق به باطل، و عرضه باطل به جای حق، اگر چه از طرف اهل باطل و منحرفین، زیاد انجام می پذیرد، لکن به حق ضرری نمی رساند و خدشه ای وارد نمی کند. چنانکه خداوند بزرگ می فرماید: (بل نقذف بالحق علی الباطل، فیدمغه فاذا هو زاهق و لکم لویل مما تصفون) [۵] .

بلکه ما، حق را بر باطل می افکنیم تا آن را درهم شکافد و باطل را نابود گرداند، آن زمان باطل از بین رونده و باطل شدنی است. و وای بر شما، از آنچه درباره خداوند توصیف می کنید. علاوه بر اینکه باید توجه داشت که فریب خوردن عوام و قبول ادعای دروغین دجال گونه های مدعی مهدویت [۶] توسط آنان در بیشتر موارد به خاطر عدم آشنایی آنان به نشانه های حضرت مهدی علیه السلام و نسب شریف ایشان و ویژگی های خاصی است که برای ایشان در احادیث مختلفه [۷] مورد تصریح قرار گرفته است و گر نه در این باب،

[صفحه ۱۵]

جایی برای گمراهی و گمراه ساختن دیگران وجود ندارد. این وظیفه علما و اندیشمندان است که عقیده به مهدویت را تبیین کنند و هدف های آن را به مردم بشناسانند و ویژگی ها و نشانه هایی را که به وسیله آنها حضرت مهدی موعود علیه السلام از دغل پیشگان مدعی مقام مهدویت باز شناخته می شود، برای توده مسلمان بر شمارند

و توضیح دهند. ثالثا: یکی از فرق هایی که بین احادیث متواتره و غیر متواره [۸] وجود دارد، این است که: در متواتر لفظی تفصیلی [۹] یقین و باور قطعی نسبت به صدور آن حدیث معین از ناحیه معصومین علیهم السلام - به عین همان کلمات و الفاظ موجود در متن حدیث - حاصل می شود و در چنین حدیثی ممکن نیست اختلاف و تعارض ایجاد شود، مگر توسط حدیث متواتر دیگری که با همین خصوصیات، مفاد و معنایی

[صفحه ۱۶]

خلاف [۱۰] حدیث اول داشته باشد، که در این صورت باید به وسیله ایجاد موافقت بین دو معنا و جمع بین دو حدیث به وسیله حمل عام بر خاص - تخصیص عام - و یا حمل مطلق بر مقید - تقیید مطلق - و یا حمل ظاهر بر اظهر - تقدیم اظهر - و مانند اینها، تنافی و اختلاف ظاهری و ابتدایی بین دو روایت را حل کرد. اگر چنین جمعی ممکن نبود، ظاهر هر دو روایت از اعتبار ساقط گردیده و هیچ کدام صلاحیت، برای استناد حکمی به آن را نخواهد داشت. اما در متواتر اجمالی [۱۱] اختلاف و تعارضی که در عبارات و متون

[صفحه ۱۷]

احادیث هست، مشکلی ایجاد نمی کند، بلکه به آن روایتی که از همه روایت های آن مجموعه، اخص است و شمول کمتری دارد، اخذ می شود. اما در متواتر معنوی [۱۲] به قدر مشترک همه احادیث و مضمونی که در همگی آنها تکرار شده و مورد اتفاق کل آن مجموعه است، اخذ می شود. بنابر این، اختلاف داشتن متن و مضمون احادیث زیانی به

متواتر بودن آنهـا نمی زنـد. بلکه در احـادیث غیر متواتر نیز این اختلاف متن، ضـرری به صـحت آن حـدیث صـحیحی که بین آنهاست، وارد نمی کند. زیرا در آن صورت هم روایت صحیح تر، و روایتی که به خاطر مطابقت مضمون آن با کتاب یا سنت قطعی یا به خاطر قوی بودن متن حـدیث، یا به خاطر تاییـد مضـمون آن توسط شواهـد و قرینی خاص، نسـبت به حـدیث دیگر متعارض با آن، رجحان و برتری دارد، مورد عمل قرار می گیرد.

[صفحه ۱۸]

این امور را، جز کسانی که در علم حدیث شناسـی، دارای تجربه و مهارت کافی باشند، باز نمی شناسند و اگر جز این بود و به خاطر کمترین تعارض و اختلافی بایـد همه احادیث متعارض کنار گذاشـته می شد، لازم بود که کلیه روایات یا حد اقل اغلب آنها، از درجه اعتبار ساقط باشـند، که نتیجه اش تغییر چهره دین اسـلام در اکثر احکام شرعی و دستورات فقهی بود. زیرا کمتر موضوعی در عقایـد و احکام و تاریـخ و تفسـیر قرآن کریم وماننـد آنها پیـدا می شـد، که احادیث وارد شـده در آن موضوع، بـدون اختلاف و تعارض باشـند، اگر چه تعارضـی ناپایدار به عموم و خصوص یا اطلاق و تقیید. بنابر این، در از بین بردن این تعارضـات ابتـدائی که در گفتگوهای عادی مردم نیز وجود داود، و در تشـخیص حـدیث درست از نادرست و حـدیث قوی از ضعیف و روایت معتبر از غیر معتبر، تنها راه این است که به قواعد و مقرراتی که در نزد عقلا و اندیشـمندان معتبر است، استناد گردد و به خبرگان و اشخاص

صلاحیت دار رجوع شود و بدین وسیله بعضی از احادیث را به بعضی دیگر بازگردانده و در صورت امکان جمع بین روایات و عمل به روایتی که از نظر سندی یا مضمونی قوت و متانت بیشتر دارد، یا با قرآن کریم و سنت ثابت شده و مانند آن، موافقتر است، به این قاعده عمل شود و از رد کردن روایت و نادیده گرفتن آن خودداری گردد. نتیجه کلام اینکه، اخبار و روایاتی که درباره مهدویت از معصومین علیهم السلام وارد شده، همگی باید در پرتو چنین قواعدی، بحث و بررسی شود. که چنانچه احادیث متواتره ای داریم مورد عمل قرار گیرد و در اخبار غیر متواتره نیز بعضی به بعضی تقویت شده، و

[صفحه ۱۹]

برخی، برخی دیگر را تفسیر کند و اگر خبر ضعیفی هم هست، ملاحظه شواهد و قرائن و بقیه موارد تایید معتبر، در آن عمل شود. از این رو می توان گفت: هیچ کسی احادیث وارده در باب عقیده به مهدویت را مردود و شبهه دار نمی پندارد، مگر ناآگاهان به صناعت حدیث شناسی، یا آگاهانی که تحت تاثیر تبلیغات باطل و فتنه های گمراهی آفرین استعمارگران، با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنی برخاسته اند.

پاورقی

[۱] متواتر به معنی پیاپی در اصطلاح حدیث شناسی به احادیث متعدده ای گفته می شود، که روایت کنندگان آن در هر طبقه، به گونه ای زیاد باشند که از مجموع روایات آنها علم هادی به صدور آن کلام، از معصوم علیه السلام حاصل آید. به عبارت دیگر اختلاف راویان و تعدد آنها در نقل یک خبر از معصوم علیه السلام

به حدی باشد که توافق آنان بر کذب و همدستی آنان در جعل خبر ممکن نباشد.

[۲] خبر واحد خبری است که نقل کننده آن یک یا چند روای باشد. تا آنجا که به حد تواتر نرسیده باشد. و در اصطلاح حدیث شناسی تقسیم بندی های مختلف، و اقسام گوناگون دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با روای عبارتند از: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.

[۳] از جمله این اختلافات، اختلاف بر سر نام پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام است که در پاره ای از روایات اهل سنت عبارت اسم ابیه اسم ابی به حدیث مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسمه اسمی و کنیته کنیتی افزوده شده است. به این معنا که نام مهدی همنام من، و کنیه او همانند کنیه من، و اسم پدر او مانند اسم پدر من است. و یا اختلاف بر سر زمان تولد، و مدت عمر، و علامات قبل از ظهور، که همگی این موارد در خود مدارک اهل سنت، قابل بررسی و نظر مشهور شیعه، بر طبق احادیث وارده در همان کتابها قابل اثبات است.

[۴] جریان محمد بن عجلان در صفحه ۱۷۴ از کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان نقل شده است. محمد بن عجلان یکی از فقهای مدینه بود، که در زمان حکومت بنی عباس با مردی به نام محمد بن عبدالله محض که از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام بود، بیعت کرد. منصور، خلیفه عباسی که بسیاری از سادات حسنی را به جرم مخالفت با دستگاه حکومت، کشته بود، محمد بن عجلان را احضار کرد. و بعد از تحقیق درباره

بیعت او با محمـد بن عبـدالله، دسـتور داد، دست او را ببرنـد. و گفت: این دستی که با دشـمن من بیعت کرده است، باید بریده شود. فقهای مدینه وساطت کردند و گفتند: این مرد تقصیری ندارد، چون فقیه است و بر طبق روایات خیال کرده که محمد بن عبدالله بن محض مهدی امت است. از این رو با او بیعت کرد و قصد دشمنی با تو را نداشته است.

[۵] سوره انبیاء، آیه ۱۸.

[۶] تعداد کسانی که در طی تاریخ اسلام، ادعای مهدویت داشته و به انگیزه های مختلف به دروغ خود را قائم آل محمد صلی الله علیه و آله معرفی کرده انـد، یا برخی از مریـدان آنها، این عنوان را به دروغ بر ایشان تبلیغ و ترویـج کرده اند، بیش از پنجاه نفر می باشد.

[۷] برای شـناختن این خصوصـیات، از حیث اصل و نسب، و سـیمای ظاهری، و کیفیت اخلاق و رفتار، و از حـدیث علامات و معجزات، و نحوه ظهور و حکومت آن بزرگوار، می توان به کتـاب هـایی که در این بـاب، نوشـته شـده است، همچون مهـدی موعود، منتخب الاثر و... مراجعه نمود.

[۸] غیر متواتر، اعم از خبر یک یا چند راوی، و اعم از اینکه قراینی بر صـحت و صدور آن از معصوم علیه السلام وجود داشته، یا نداشته باشد، تعبیری دیگر از همان خبر واحد است.

[۹] احادیث متعدده ای که با اسـناد گوناگون، و به وسـیله راویان مختلف، از هر یک از معصومین علیهم السـلام نقل شده اند، اما همگی آنها از حیث مضمون و لفظ، کاملا یکسان بوده و در تعابیر و کلمات، هیچ

اختلافی باهم ندارد. چنانکه همه این راویان، اتفاق دارند بر اینکه: از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم، که فرمود: انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی.

[۱۰] این مخالفت بین دو حدیث متواتر، به گونه ای نیست که باهم تضاد و تناقصی داشته باشند. بلکه یکی از آن دو به عنوان شرط یا قید یا خصوصیتی زاید بر دیگری، قابل جمع با آن می باشد.

[۱۱] احادیث متعدده ای، که اگر چه در الفاظ و تعابیرشان، اختلافاتی وجود دارد، اما به خاطر کثرت راویان، به گونه ای هستند، که می توان علم اجمالی پیدا کرد، که حد اقل یکی از آنها با همین الفاظ و کلمات وارده در حدیث، از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مثلا در بعضی از این گونه روایات آمده است که: خبری که راوی مومن آن را نقل کرده باشد حجت است. و در بعضی دیگر آمده است: خبری که راوی آن راستگو باشد حجت است. در بعضی دیگر آمده است: خبری که روایت کننده آن عادل باشد حجت است. در اینجا علم پیدا می کنیم که حد اقل یکی از این روایت ها، صحیح و صادر شده از معصوم است. حال در این میان، روایتی را که خاص تر از بقیه روایات است، و شمول کمتری دارد، و به عبارت دیگر بقیه روایات هم آن را به نوعی تایید می کنند، اختیار کرده و به مضمونش عمل می نمائیم. که مثال در مذکور، آخرین دسته این روایات، یعنی حجت بودن خبر عادل است. زیرا اگر راوی عادل باشد حتما مومن و راستگو هم هست. و دو

دسته قبلی آن را شامل می شوند.

[۱۲] مجموعه ای از احـادیث، که همگی بر معنـایی خـاص یا حکمی معین دلالت مشترک دارنـد، اگر چه در الفاظ و تعابیر با یک دیگر اختلاف دارند. به شکلی که در بین این مجموعه، هیچ حدیثی را نتوان یافت که به طور قطع و یقین، مضمون و متن و الفـاظش همگی از نـاحیه معصوم علیه السـلام صادر شـده است. مثل روایت هایی که درباره کیفیت جنگ های امیرالمومنین علی علیه السلام با الفاظ و تعابیر و مضامین گوناگون وارد شده اند، ولی همگی آنها در اثبات شجاعت بی نظیر برای مولا عی علیه السـلام متفق هسـتند. و مثـل حکایـات فراوان، و نقـل هـای متفـاوتی که دربـاره بخشـش و کرم حاتم طائی در کتاب های مختلف وجود دارد، که از همگی آنهـا به آنچه که قـدر مشترک و مضـمون عام بین همه آنهاست، یقین و علم قطعی پیـدا می شود. و آن، وجود حاتم در زمانی از زمان های گذشته و دارا بودن جود و بخشش بسیار توسط او می باشد.

الهام گیری از باورداشت مهدویت

بر کسـی پوشـیده نیست که عقیـده به ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام، عقیده ای است که امید می آفریند، و نشاط و تلاش ایجاد می کند. سـستی و ناامیدی و کسالت را از بین می برد. حرکت های اصـلاحگرانه و اسـلام خواهانه را تشویق می کند، و جان های شورنده، بر اسـتکبار و استضـعاف را تقویت می نماید. [دین] اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقق همه آرمان هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها، آمده است، دست نیافته، آینده از آن

اسـلام و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسـلام عزیز بر همه گیتی حکم روا باشد و همه سـتمگری ها و حق کشـی ها را از بین ببرد. دنیـا به زودی به دامن اسـلام پنـاه خواهـد آورد و نیـاز دنیـا به اسـلام هر روز ظاهرتر از روز پیش به چشم می خورد. نور اسلام هر روز روشن تر و پرتوش هر روز درخشان تر از قبل در همه دنیا احساس می شود.

[صفحه ۲۰]

شکست نظام های اسـتکباری رایـج و فرو پاشـی احزاب شـرک آلود غیر انسانی و عدم موفقیت برنامه های اقتصادی و سیاسـی آنان در گسترش امنیت و آسایش مردمی و ناکام مانـدن این سـیاست ها در تحقق اهداف انسانی و از بین بردن جهل و سـتم و کینه جوئی ها و نژاد پرستی ها، روز به روز، دل ها را برای قبول اسـلام آماده تر ساخته و مردم دنیا را برای پـذیرش برنامه های الهی آن - که یگانه راه حل مشـکلات بشـریت است - مشتاق تر می سازد. بشریت سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظـام هـای شـرقی و غربی نیافته و نخواهـد یافت. بلکه این نظام ها و مکتب های غیر الهی، برای انسان امروز دست آوردی جز فرومانـدگی بیشتر و دشوارتر شـدن کارهـا و مشـکلات و فزونی فحشاء، منکرات، فساد، گردنفرازی و اسـتکبار، نداشـته است. اعتقـاد بـه مهـدویت درک مـا را نسبت بـه کرامـت انسـان بیـدار می کنـد و ایـن بـاور را کـه زمیـن، نه از آن سـتم پیشـگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوا پیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و

رسول گرامیش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با هدایت و آیین حق برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است، تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل های ما جای می دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید و بر پا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام وا می دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می سازد و در عمل به مسئولیت هایی که بر عهده داریم مورد بازخواست قرار می دهد. خدای تبارک و تعالی - که راستگوترین است - در این باره

می فرماید: (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون). [۱] .

اوست که رسول گرامیش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها برتری بخشد. اگر چه ناخوشایند مشرکین باشد. و می فرماید: (وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما ستخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون). [۲] .

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده است که آنان را در زمین به خلافت رساند، چنانکه پیشینیان آنان را خلافت بخشید و دینی را که بر ایشان پسندیده است اقتدار و تمکین دهد و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل

کند، تا تنها مرا بپرستند، و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند و هر کس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان به شمار آید. و چنانکه می فرماید: (و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و

نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین). [۳] .

ما می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گزاریم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم. و باز چنانکه می فرماید: و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین، انهم لهم المنصورون، و ان جندنا لهم الغالبون. [۴] .

کلمه و تقدیر ما، از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته خود - قبل از انگیزش آنان به پیامبری - بر این قرار گرفته که همانا آنان یاری شده گانند و لشکریان ما پیروزمند و غلبه یافته گانند.

پاورقی

[۱] سوره توبه، آیه ۳۳.

[۲] سوره نور، آیه ۵۵.

[۳] سوره قصص، آیه ۵.

[۴] سوره صافات، آیات ۱۷۱ ، ۱۷۲ و ۱۷۳.

اساس عقیده به مهدویت

اساس در عقیده به مهدویت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا، به حاکمیت اسلام و فرامین الهی و یگانه شدن قوانین و نظام های موجود و خلافت مومنان و شایستگان در زمین و تبدیل ترس و هراس بشریت به امان و امنیت و نابودی همه مظاهر استضعاف و استکبار، همگی در همان نیروی اولیه ای است که به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرک و استکبار و آزاد سازی انسان از سلطه طواغیت و خارج ساختن بشریت از ذلت بندگی مردم به عزت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به

ودیعت نهاده شده است.

[صفحه ۲۳]

اینکه می بینیم دنیا در سیر خویش به سوی جامعه ای یگانه و بین المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی، در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی، یگانه شدن بشریت و یکی شدن اقوام و ملیت های مختلف را میسر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملت ها و قومیت های گوناگون، آن را مانند اهل شهری بلکه محله ای واحد قرار داده است، همگی زمینه ساز آینده ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می رود. یعنی همان طور که بشریت جامعه های قبیله ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تاسیس جوامع شهر نشین، بر اساس وحدت منطقه، یا منافع سیاسی، یا اقتصادی، یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلط بر دیگری است، یقینا در همین سیر رو به رشد، روزی از این حکومت های جزئی و وحدت های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طائفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت، دست پیدا خواهد کرد، که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می شود و همه در آن مساویند. ما مسلمانان، همه چنانکه همه خبرهای غیبی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داریم و چنانکه به فرشتگان خدا و کتاب ها و پیامبران او ایمان داریم و آنچه را که از جزئیات و تفاصیل معاد و بهشت و دوزخ و

مانند آن - که جز به وسیله وحی و خبر دادن پیامبر صلی الله علیه و آله قابل اثبات نیست - به ما خبر داده اند، تصدیق می کنیم، همین طور به وعده خداوند نیز که آن را در کتاب مجیدش خطاب به ایمان آورندگان و همه بشریت بیان فرموده و ما را زبان پیامبران و رسولانش نسبت به آن بشارت بخشیده، و پیامبر

[صفحه ۲۴]

راستگو و امین ما، آن را به آگاهی ما رسانده است، ایمان داریم، و نسبت به تحقق این وعده الهی در وراثت صالحان و حکومت اسلام و قرآن در تمام جهان، تردیدی به خود راه نمی دهیم، و از خدا می خواهیم که ما را بر این عقیده، و بر تمام مبادی و اصول اسلامی و باورهای اصیل و صحیح، پایدار و ثابت قدم بدارد. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمه انک انت الوهاب. [۱] .

پروردگارا بعد از اینکه ما را هدایت فرمودی، ضلالت و گمراهی را به دل های ما راه مده و از جانب خویش رحمتی خاص به ما عنایت کن، که همانا تو بسیار بخشنده و عنایت کننده ای.

پاورقی

[۱] سوره آل عمران آیه ۸.

کتابهای مستقل درباره مهدویت

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اهتمامی خاص داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه و محکم کردن ایمان به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان داشته اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب سنن و مسانید و جوامع و غیره، کتاب های روایی مستقل و

مجموعه هـای احادیث خاص در این زمینه، فراوان نگاشـته انـد. از آن میان، ما به افزون از سـی کتاب که به شـکل مسـتقل، به کوشـش بزرگان اهل سـنت، در این باره تالیف شـده است، آگاهی یافتیم که به عنوان نمونه، می توان از کتاب های البیان فی اخبار صاحب الزمان و

[صفحه ۲۵]

القول المختصـر فی علامات المهـدی المنتظر علیه السـلام و عقـد الدرر و العرف الوری و... نام برد. این کتاب ها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبـات می کننـد، این است که باور داشت مهـدویت باوری اسـلامی است که اساس آن به کتاب و سـنت نبوی صلی الله علیه و آله بر می گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین به آن اعتقاد داشته اند و اختصاصی به مذهبی خاص از مذاهب مختلفه مسـلمین ندارد. اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان یافتن سلسـله پیامبران الهی به وجود شـریف پیـامبر گرامی اسـلام حضـرت محمـد صـلی الله علیـه و آله است و اینکه آیین او، هرگز نسـخ نخواهـد گشت و اینکه حضـرت مهـدی علیه السـلام - چنانکه در کتاب المهـدی از سـنن ابو داوود آمـده و احادیث صـحیحه متعـددی به آن تصـریح دارنـد - دوازدهمین جانشـین اوست. آخرین نفر از جانشـینانی که رسول گرامی صـلی الله علیه و آله، امت خویش را به آمـدن یکایک آنـان بشـارت بخشـیده است و این بشـارات همگی در احـادیث گونـاگونی که با سـندهای فراوان در مسـند احمـد بن حنبل و صحیح بخاری و صحیح مسلم و غیر آنها نقل شده است مورد اعتراف همگان است. هر کس بخواهد به میزان قوت

و اعتبار آنچه که مدرک و مستند مسلمانان در عقیده به مهدویت قرار گرفته، آگاهی یابد و کثرت روایات این باب، و فراوانی مولفین و جمع آورندگان آنها را دریابد و شهرت این روایات در بین اندیشمندان و دانشمندان اسلامی را غیر قابل انکار بیند، باید به کتاب های جوامع، سنن، مسانید و کتاب های تفسیر، تاریخ، رجال، فرهنگنامه ها، لغتنامه ها و غیر آن مراجعه نماید، تا بفهمد که بر شمردن همه این احادیث و

[صفحه ۲۶]

کتاب های مربوطه کاری بسیار دشوار است. ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتاب ها که پیرامون این موضوع نگاشته شده است، سخن می گوییم و به عنوان نمونه ای از این گونه تالیفات و به عنوانی دلیلی بر بسیاری چشمگیر این مطالب در کتابهای دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می پردازیم. این کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام [۱] نام دارد. اما کتاب و مولف آن، هر دو بی نیاز از تعریف هستند، زیرا خود کتاب از کتاب های مشهور و معروف است، که نسخه خطی آن در چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیرا چاپ جدیدی از این کتاب، با استفاده از تصویر برداری از نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجد الحرام در مکه مکرمه عرضه شده است و ما خود نیز نسخه خطی دیگری از آن را که در کتابخانه مسجد اعظم قم - از یادگارهای مرحوم مغفور آیت الله العظمی بروجردی - حفظ و نگهداری می شود، مشاهده کرده ایم. مولف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور علی بن حسام الدین

بن عبد الملک المتقی الشاذلی المدینی الهندی، متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. وی نویسنده ای معروف است و شرح حالش در کتاب هایی که پیرامون زندگی نامه های علماء و بزرگان اهل سنت نگاشته شده است، موجود است. چنانکه در مقدمه و نسخه چاپ

[صفحه ۲۷]

شده همین کتاب نیز، شرح زندگانی و آثار و مقامات او درج گردیده است. برخی از آنچه در این کتاب آمده و بر آنیم تا آگاهی مختصری نسبت به آن پیدا کنیم، عبارتند از: اسامی آن دسته از مشایخ و راویان و صاحبان کتاب های جامع، سنن و مسانید که احادیث مربوط به عقیده به مهدویت را در کتاب های خویش روایت کرده اند و مولف این کتاب نیز روایات وارده را از ایشان نقل کرده است و نیز اسامی گروهی از علمای مشهور و تابعینی [۲] که پس از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله این احادیث و اخبار را روایت کرده اند و نیز اسماء گروهی از صحابه که خود، بدون واسطه از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل حدیث کرده اند.

پاورقی

[۱] این کتاب که متاسفانه تا کنون به فارسی ترجمه نشده است، دارای ابواب مختلف است که در هر باب مجموعه ای از مشهورترین و معتبرترین روایات اهل سنت، درباره حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات آن حضرت و نشانه های ظهور ایشان جمع آوری شده است.

[۲] تابعین به کسانی گفته می شود، که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده اند، لکن با اصحاب و یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که

پس از پیامبر می زیسته اند، همنشینی و مصاحب داشته، از آنان نقل روایت نموده اند.

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتاب های جامع حدیث

۱ – طبرانی ۲ – ابونعیم اصفهانی ۳ – خطیب بغدادی ۴ – ابن ابی شیبه ۵ – نعیم بن حماد، یکی از اساتیـد امام بخاری صاحب صحیح بخاری ۶ – الحاکم ۷ – احمد ۸ – مارودی ۹ – بزاز ۱۰ – ترمذی ۱۱ – دارقطنی ۱۲ – ابن ماجه ۱۳ – ابویعلی موصلی ۱۴ – ابن عساکر ۱۵ – مسلم ۱۶ – ثعلبی ۱۷ – ابوداود ۱۸ – ابن جوزی ۱۹ – ابن ابی اسامه ۲۰ – تمام بجلی ۲۱ – رویانی ۲۲ – ابن منده ۲۳ – حسن بن سفیان شیبانی

۲۴– عثمان بن سـعید دانی ۲۵ – ابوالحسن حوبی ۲۶ – ابن کثیر ۲۷ – ابن سعد ۲۸ – واقدی ۲۹ – ابـوبکر بن مقری ۳۰ – ابن مناوی ۳۱ – ابوغنم کوفی ۳۲ – ابن مردویه ۳۳ – ابن خزیمه ۳۴ – ابوعوانه ۳۵ – ابوبکر اسکافی ۳۶ – دیلمی ۳۷ – قرطبی ۳۸ – ابن لهیعه ۳۹ – ابوبکر احمد بیهقی ۴۰ – ابوالحسن آبری ۴۱ – ابن حبان ۴۲ – ابوبکر احمد بن محمد بن عبدالله بن صدقه.

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین

۱ – عـاصم بن عمرو بجلی ۲ – سـعید مسیب ۳ – ابوجعفر محمـد بن علی الباقر علیه السـلام ۴ – اسـحاق بن یحیی ۵ – شهر بن حوشب ۶ – زهری ۷ – مطر الوراق ۸ – طاووس ۹ – صباح ۱۰ – عمرو بن علی ۱۱ – مکحول ۱۲ – کعب بن علقمه ۱۳ – قتاده ۱۴ – عبدالله بن حارث ۱۵ – محمد بن حبیر ۱۶ – ارطاه بن منذر ۱۷ – حکم

بن عیینه ۱۸ – ابوقبیل ۱۹ – ابن ابی طلحه ۲۰ – کثیر بن مره ۲۱ – ابن سیرین ۲۲ – مجاهد ۲۳ – خالد بن سعد ۲۴ – ابومریم ۲۵ – شریک ۲۶ – ابوارطاه ۲۷ – ضمره بن حبیب ۲۸ – حکم بن نافع ۲۹ – خالد بن معدان ۳۰ – محمد بن حنفیه ۳۱ – سدی ۳۲ – سلیمان بن عیسی ۳۳ – بقیه بن ولید ۳۴ – ولید بن مسلم ۳۵ – قیس بن جابر ۳۶ – عمرو بن شعیب ۳۷ – ابن شوذب ۳۸ – دینار بن دینار ۳۹ – معمر ۴۰ – فضل بن دکین ۴۱ – سالم بن ابی جعد ۴۲ – محمد بن صامت ۴۳ – حکیم بن سعد ۴۴ – ابراهیم بن میسره ۴۵ – ابوامیه.

[صفحه ۲۹]

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی علیه السلام از مردان و زنان اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله: ۱ – علی بن ابی طالب ۲ – عمار بن یاسر ۳ – حذیفه یمانی ۴ – ابوسعید حذری ۵ – طلحه بن عبیدالله ۶ – ابن عمر ۷ – عبدالله بن مسعود ۸ – جابر بن عبدالله ۹ – عبدالرحمان بن عوف ۱۰ – عمر بن خطاب ۱۱ – ابن عباس ۱۲ – ابوهریره ۱۳ – انس بن مالک ۱۴ – ابوامامه ۱۵ – هلالی ۱۶ – ابوطفیل ۱۷ – الحسن علیه السلام ۱۸ – الحسین علیه السلام ۱۹ – ثوبان ۲۰ – ابی بن کعب ۲۱ – جابر بن سمره ۲۲ – جابر صدفی ۲۳ – عبدالله بن عمرو بن عاص ۲۴ – عمرو بن

عاص ۲۵ – ام سلمه ۲۶ – عایشه ۲۷ – اسماء بنت عمیس ۲۸ – ام حبیبه. در اینجا بعد از ذکر اسامی، به خاطر افزایش آگاهی خواننده و خالی نبودن این نوشتار از متون این احادیث و نیز به منظور کسب ثواب و اجری که در احادیثی مانند: من حفظ من امتی اربعین حدیثا حشره الله یوم القیامه فقیها [۱] .

هر کس از امت من، چهل حدیث را حفظ نماید، خداوند روز قیامت، او را به عنوان فقیه محشور می فرماید. وعده داده شده است [۲] ، در صدد بر آمدیم که چهل حدیث از

[صفحه ۳۰]

احادیث نقل شده در این کتاب را – که افزون از دویست حدیث می باشد – در این نوشتار ذکر نماییم. و ما توفیقی الا بالله.

[صفحه ۳۱]

پاورقی

[۱] از فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و آله.

[۲] از شافعی نقل شده است که درباره این گونه احادیث گفت: مراد از این چهل حدیث، احادیثی است که درباره فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است. در همین زمینه، داستان عجیبی از احمد بن حنبل نیز نقل شده است که طالبین آن می توانند به کتاب اربعین از شیخ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس متوفی سال ۴۱۲ هجری قمری – مراجعه نمایند.

چهل حدیث پیرامون باورداشت مهدویت

۱ – اخرج احمد و ابن ابی شیبه، و ابن ماجه، و نعیم بن حماد، فی الفتن، عن علی، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی منا اهل البیت، یصلحه الله فی لیله. [۱] .

احمد و ابن ابی

شیبه و ابن ماجه و نعیم بن حماد، در کتاب فتن از علی علیه السلام، نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود.

۲ - اخرج ابوداود و ابن ماجه و الطبرانی و الحاکم عن ام سلمه، قالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: المهدی من عترتی، من ولد فاطمه. [۲] .

[صفحه ۳۴]

ابوداود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: مهدی علیه السلام از سلاله من است، از فرزندان فاطمه علیه السلام.

۳ - اخرج الحاکم و ابن ماجه و ابونعیم، عن انس بن مالک، قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: نحن سبعه ولد عبد المطلب ساده اهل الجنه: انا، و حمزه، و علی، و جعفر، و الحسن، و الحسین، و المهدی. [۳] .

حاکم، و ابن ماجه و ابونعیم، از انس بن مالک روایت کرده اند که وی گفت: شنیدم، رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی.

۴ - اخرج الترمذی - و صححه - عن ابی هریره، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لو لم یبق من الدنیا الا یوم، لطول الله ذلک الیوم، حتی یلی

المهدی. [۴] .

ترمذی به طریق صحیح از ابوهریره، نقل کرده است که گفت:

[صفحه ۳۵]

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مهدی علیه السلام در پی آید.

۵ - اخرج الطبرانی فی الاوسط من طریق عمرو بن علی، عن علی بن ابی طالب انه قال للنبی صلی الله علیه و آله و سلم: امنا المهدی ام من غیرنا یا رسول الله؟، قال: بل منا، بنا یختم الله کما بنا فتح، و بنا یستنقذون من الشرک، و بنا یولف الله بین قلوبهم بعد عداوه الشرک. [۵] .

طبرانی در الاوسط از طریق عمرو بن علی، روایتی را از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کرد: مهدی از بین ماست یا از بین دیگران یا رسول الله؟ در جواب فرمود: بلکه از ماست، خداوند همچنان که به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد. به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند، بعد از آن که به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدایی افتاده باشد.

۶ - اخرج نعیم بن حماد، و ابونعیم من طریق مکحول عن علی، قال: قلت: یا رسول الله امنا آل محمد المهدی، ام من

[صفحه ۳۶]

غیرنا؟ فقال: لا بل منا، یختم الله به الدین کما فتح بنا ینقذون من الفتنه کما انقذوا من الشرک، و بنا یولف

الله بین قلوبهم، و بنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخوانا کما اصبحوا بعد عداوه الشرک اخوانا فی دینهم [۶] .

نعیم بن حماد و ابونعیم از طریق مکحول از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند، که فرمود: گفتم: ای رسول خدا، آیا مهدی علیه السلام از بین ما آل محمد صلی الله علیه و آله است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنان که گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند، چنانکه از شرک نجات یافتند و به وسیله ماست که خداوند بین دل های مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند و به وسیله ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یک دیگر برادر شدند.

۷ - اخرج الحارث بن ابی اسامه و ابو نعیم، عن ابی سعید، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لتملان الارض ظلما و عدوانا، ثم لیخرجن رجل من اهل بیتی حتی یملاها قسطا و عدلا کما ملئت عدوانا و ظلما. [۷] .

[صفحه ۳۷]

حارث بن ابی اسامه و ابونعیم، از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمین پر از ستم و دشمنی می شود و به درستی، مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند، چنانکه پر از دشمنی و ستم شده باشد.

۸ - اخرج الطبرانی فی الکبیر و ابو نعیم عن ابن مسعود، قال: قال رسول الله صلی الله علیه

و آله و سلم: یخرج رجل من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی و خلقه خلقی، یملاها قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا. [۸] .

طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم، از ابن مسعود، نقل کرده اند که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

۹ – اخرج ابو نعیم عن حذیفه، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ویح هذه الامه من ملوک جبابره، یقتلون و یخیفون المطیعین الا من اظهر طاعتهم، فالمومن التقی لیصانعهم بلسانه، و یفر منهم بقلبه و جنانه. فاذا اراد الله

تعالی ان یعید الاسلام عزیزا، قصم کل جبار عنید، و هو القادر علی ما یشاء ان یصلح امه بعد فسادها. یا حذیفه! لو لم یبق من الدنیا الا یوم، لطول الله ذلک الیوم حتی یملک من اهل بیتی رجل، تجری الملاحم علی یدیه، و یظهر الاسلام، لا یخلف وعده، و هو سریع الحساب [۹] .

ابونعیم از حذیفه نقل کرده است، که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر این امت از پادشاهان ستمگر، مردم را می کشند و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند، مگر کسی را که فرمانبری و اطاعت از آنان را اظهار کند. پس انسان با ایمان و پرهیزکار باید با زبانش با آنان بسازد، اما در قلب و با جوارحش از آنان بگریزد. پس اگر

خدای بزرگ بخواهد اسلام را عزیز گرداند، هر ستمگر عناد پیشه ای را در هم خواهد شکست و او بر آنچه بخواهد تواناست و می تواند امت را بعد از تباهی، اصلاح فرماید - و حالشان را نیکو گرداند - ای حذیفه: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را، آن چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد، به دست او پیشامدهایی عجیب به وقوع می پیوندند و خداوند - به دست او - اسلام را پیروز می کند و در وعده هایش خلاف نمی کند، و او محاسبه گری سریع است.

[صفحه ۳۹]

۱۰- اخرج الحسن بن سفیان، و ابو نعیم، عن ابی هریره، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لو لم یبق من الدنیا الا لیله، لیملک فیها رجل من اهل بیتی. [۱۰] .

حسن بن سفیان و ابونعیم، از ابوهریره، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک شب باقی نمانده باشد، خداوند در همان یک شب، مردی از اهل بیت مرا به حکومت خواهد رسانید.

۱۱ - اخرج الرویانی فی مسنده و ابو نعیم عن حذیفه، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی رجل من ولدی، لونه لون عربی، و جسمه اسرئیلی، علی خده الایمن خال کانه کوکب دری، یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما، یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطیر فی الجو. [۱۱] .

رویانی در کتاب مسند خویش،

و ابونعیم از حـذیفه، نقل کرده انـد که گفت: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السـلام مردی از فرزندان من است، رنگ رخساره اش، رنگ

[صفحه ۴۰]

عربها و انـدامش، انـدام اسـرائیلی هاست، [۱۲] بر گـونه راسـتش خـالی هست، که ماننـد سـتاره ای درخشـان است. زمین را از عـدالت پر می سازد، چنانکه از سـتم و حق کشـی پر شـده باشد، در زمان خلافت و رهبری او، زمینیان و آسـمانیان و پرندگان فضا، راضی و خوشنود خواهند بود.

۱۲ - اخرج ابو نعیم عن الحسین علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال لفاطمه: یا بنیه: المهدی من ولدک. [۱۳] .

ابونعیم از حسـین علیه السـلام روایت کرده است، که همانا پیامبر صـلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السـلام فرمودنـد: ای دخترک من! مهدی، از فرزندان توست.

۱۳ - اخرج ابن عساکر عن الحسین علیه السلام، ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: ابشری یا فاطمه! المهدی منک. [۱۴] .

و ابن عساکر از حسـین علیه السـلام روایت کرده است، که همانا پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه: تو را بشارت باد، که مهدی علیه السلام از نسل تو است.

[صفحه ۴۱]

۱۴- اخرج الطبرانی فی الکبیر، و ابو نعیم عن الهلال، [۱۵] ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال لفاطمه: و الذی بعثنی بالحق، منهمـا - یعنی الحسن و الحسـین - مهـدی هـذه الامـه. اذا صـارت الـدنیا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السـبل و اغار بعضهم علی بعض فلا

كبير يرحم صغيرا و لا صغير يوقر كبيرا، يبعث الله عند ذلك منهما من يفتح حصون الضلاله و قلوبا غفلا، يقوم بالدين فى آخر الزمان، كما قمت به فى اول الزمان، و يملا الدنيا عدلا كما ملئت جورا. [۱۶] .

طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم از هلال - یا هلالی -، نقل کرده اند، که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: سوگند به آن که مرا به حقیقت، مبعوث گردانید، که مهدی این امت، از نسل این دو نفر است - اشاره به حسن علیه السلام و حسین علیه السلام - زمانی که دنیا آشفته گردد، و فتنه ها ظاهر شوند و راه ها کوتاه گردند و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند، نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند، و نه خردسالان به بزرگسالان، احترام نهند، در آن زمان خداوند از نسل این دو، کسی را بر می انگیزد که حصارهای گمراهی را می گشاید و دل های غفلت زده را بیدار می کند و در آخر الزمان دین را به پا می دارد، چنانکه من در ابتدا، آن را به پا داشتم و دنیا را از عدالت پر می سازد چنانکه از ستم پر شده باشد.

[صفحه ۴۲]

۱۵- اخرج ایضا - یعنی نعیم بن حماد - عن علی و عائشه، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: المهدی رجل من عترتی، یقاتل علی سنتی کما قاتلت انا علی الوحی. [۱۷] .

نیز او (نعیم بن حماد) از علی علیه السلام و عایشه، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است

که فرمود: مهدی، مردی از خاندان من است. او بر طبق سنت من - با مخالفین - می جنگد، چنانکه من بر طبق وحی الهی می جنگیدم.

۱۶ - اخرج ایضا عن علی علیه السلام قال: المهدی رجل منا، من ولد فاطمه. [۱۸] .

نیز او (نعیم بن حماد) از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: مهدی علیه السلام مردی از - نسل - ما، از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

۱۷ - اخرج الطبرانی، عن عوف بن مالک ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: یجی ء فتنه غبراء مظلمه، تتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له المهدی، فان

[صفحه ۴۳]

ادرکته فاتبعه، و کن من المهتدین. [۱۹] .

طبرانی از عوف بن مالک، نقل کرده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه ای سخت، تیره و تاریک فرا می رسد، فتنه ها پشت سر هم - بر مردم - وارد می شوند، تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند، که مهدی خوانده می شود. اگر او را دریافتی، پیروش باش، تا از هدایت یافتگان باشی.

۱۸ - اخرج الدانی عن الحکم بن عیینه، قال: قلت لمحمد بن علی: سمعت انه سیخرج منکم رجل یعدل فی هذه الامه. قال: انا نرجو ما یرجو الناس، و انا نرجو لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یکون ما ترجوه هذه الامه، و قبل ذلک فتن شر فتنه یمسی الرجل مومنا و یصبح افرا، و یصبح مومنا و یمسی کافرا، فمن ادرک ذلک منکم فلیتق الله

و لیکن من احلاس بیته. [۲۰] .

دانی از حکم بن عیینه، نقل کرده است، که گفت: به محمد بن علی عرضه داشتم، شنیدم که از نسل شما، مردی ظهور می کند، که در این امت عدالت را بر پا می دارد. فرمود: همانا ما به همان چیزی که مردم امید دارند، امید بسته ایم. و

[صفحه ۴۴]

امیدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی کند که آنچه را این امت به آن امید بسته اند، تحقق پذیرد و قبل از آن بدترین فتنه ها پدید می آید، چنانکه شخصی از برخی مردم، در شب مومن است و صبح که می شود، کافر شده است، یا در صبح مومن است و شب که می رسد کافر گردیده است، پس اگر کسی از شما، به چنین فتنه ای گرفتار شد، باید تقوای الهی پیشه کند و باید کناره گزینی و خانه نشینی اختیار کند.

۱۹ - عن عمار بن یاسر: اذا قتلت النفس الزکیه، و اخوه تقتل بمکه ضیعه، نادی مناد من السماء: ان امیرکم فلان، و ذلک المهدی، الذی یملا الارض حقا و عدلا اخرجه الامام ابو عبد الله نعیم بن حماد فی کتاب الفتن. [۲۱] .

امام ابوعبدالله نعیم بن حماد در کتاب الفتن از عمار بن یاسر نقل کرده است: زمانی که نفس زکیه کشته شود، و برادرش در مکه به نبردی شدید پردازد، ندا دهنده ای از آسمان ندا دهد، که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان مهدی است، کسی که زمین را از حقیقت

و عدالت آکنده سازد.

[صفحه ۴۵]

۲۰- اخرج الطبرانی فی الاوسط عن طلحه بن عبید الله، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: ستکون فتنه، لا یهدا منها جانب الا جاش منها جانب، حتی ینادی مناد من السماء: ان امیرکم فلان. [۲۲] .

طبرانی در کتاب الاوسط از طلحه بن عبیدالله، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است: فتنه ای خواهد بود، هنوز طرفی از این فتنه، آرام نگرفته که طرف دیگری بر می شورد - قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آن که قسمتی دیگر از آن، بر می آشوبد -، تا آنکه ندا دهنده ای از آسمان ندا در می دهد: همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است.

۲۱ - اخرج ابو نعیم، و الخطیب فی تلخیص المتشابه عن ابن عمر، قال: قال رسول صلی الله علیه و آله و سلم: یخرج المهدی و علی راسه ملک ینادی: ان هذا مهدی فاتبعوه. [۲۳] .

ابونعیم و خطیب در کتاب تلخیص المتشابه از ابن عمر نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی قیام می کند، در حالی که بالای سر او فرشته ای ندا می دهد این مهدی است، از او پیروی کنید.

[صفحه ۴۶]

۲۲- أخرج ابو بنعیم عن علی، قال: اذا نادی مناد من السماء: ان الحق فی آل محمد، فعند ذلک یظهر المهدی علی أفواه الناس، و یشربون حبه، و لا یکون لهم ذکر غیره. [۲۴] .

ابو نعیم از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود:

زمانی که ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد

که: حق در خانـدان محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم است، در آن هنگـام نام مهـدی بر زبان های مردم آشـکار می گردد و محبت او را به دل می گیرند و از غیر او یاد نمی کنند.

۲۳- أخرج أیضا (یعنی نعیم بن حماد) عن شهر بن حوشب، قال: قال رسول الله - صلی الله علیه و سلم-:

فی المحرم ینادی مناد من السماء: ألا ان صفوه الله من خلقه فلان، فاسمعوا له، أطیعوه فی سنه الصوت المعمعه. [۲۵] .

نیز او (نعیم بن حماد) از شهر بن حوشب نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در ماه محرم، ندا کننده ای از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که

[صفحه ۴۷]

برگزیـده خدا - از میان خلایق - فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید و از او اطاعت کنید، در سالی که جنگ ها و فتنه ها فراوان است و سال صدای آسمانی است.

۲۴ - عن امیر المومنین علی بن ابی طـالب، قـال: تختلف ثلاـث رایات: رایه بالمغرب و رایه بالجزیره، و رایه بالشام تـدوم الفتنه بینهم سنه - ثم ذکر خروج السفیانی و ما یفعله من الظلم و الجور، ثم ذکر خروج المهدی و مبایعه الناس له بین الرکن و المقام، و قـال: - یسـیر بـالجیوش حتی یسـیر بوادی القری فی هـدوء و رفق و یلحقه هناک ابن عمه الحسـنی فی اثنی عشـر الف فارس، فیقول له: یا ابن عم انا احق بهذا الجیش منک، انا ابن الحسن و انا المهدی. فیقول له المهدی: بل ان المهدی. فیقول له

الحسـنی: هل لک من آیه فابایعک؟ فیومی ء المهدی الی الطیر فیسـقط علی یدیه، و یغرس قضیبا فی بقعه من الارض فیخضر و یورق. فیقول له الحسنی: یا ابن عمی هی لک. [۲۶] .

از امیرالمومنین علی بن ابی طالب نقل شده است، که فرمود: سه پرچم به مخالفت با یک دیگر برافراشته شود، پرچمی در

[صفحه ۴۸]

مغرب و پرچمی در عربسـتان و پرچمی در شام، فتنه و جنگ بین آنها یک سال طول می کشد - سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی که بر مردم روا می دارد، یـاد کرد و پس از آن از ظهور و قیام حضـرت مهـدی علیه السـلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقـام یـاد نمود - و فرمود: لشـکریان خویش را حرکت می دهـد، تـا در کمـال آرامش و مـدارا به وادی القری می رسـند. در آنجا پسـر عمویش [۲۷] سـید حسـنی همراه بـا دوازده هزار سـوار به او می رسـد و می گویـد: ای پسـر عمـو: من به فرماندهی این لشـکر سـزاواتر از تو هسـتم، زیرا من فرزند امام حسن هستم و مهدی من هستم. حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: بلکه من مهدی هسـتم. حسـنی می گوید: آیا تو را نشانه و معجزه ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضرت مهدی علیه السـلام به پرنده ای اشاره می نماید و پرنده در دسـتهایش قرار می گیرد و نی خشکی را می گیرد و در زمین می کارد، - بلا فاصله - سبز می شود و برگ می دهد. آن زمان سید حسنی به او

عرض می کند: ای پسر عموی من، این مقام سزاوار توست.

۲۵ – اخرج نعیم و ابو نعیم، عن ابی سعید، قال: قال رسول

[صفحه ۴۹]

الله صلی الله علیه و آله و سلم: یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل یقال له المهدی، یکون عطاوه حثیا. [۲۸] .

نعیم و ابونعیم، از ابوسعید نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که آخر الزمان شود – و یاس و ناامیدی رخ نماید – و فتنه ها ظاهر شود، مردی خواهد بود که مهدی نامیده می شود و بخشش و عطایایش ریزان و سرشار است.

۲۶ – اخرج ابو نعیم، عن عبد الرحمن بن عوف، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یکون عند انقطاع من الزمان لیبعثن الله من عترتی رجلا، افرق الثنایا، اجلی الجبهه، یملا الارض عدلا، یفیض المال فیضا. [۲۹] .

ابونعیم از عبدالرحمن بن عوف نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که آخر الزمان شود – یاس و ناامیدی و قحطی رخ نماید – به تحقیق خداوند مردی از خاندان مرا بر خواهد انگیخت، دندان های

[صفحه ۵۰]

پیشینش فاصله دار و جبینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می سازد، و مال فراوان می بخشد.

۲۷ – اخرج احمد و مسلم عن ابی سعید و جابر، عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: یکون فی آخر الزمان خلیفه یقسم المال و لا یعده. [۳۰] .

احمد و مسلم از ابوسعید و جابر،

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: در آخر الزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد، تقسیم می کند.

۲۸ - عن حذیفه بن الیمان، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی قضیه المهدی علیه السلام مبایعته بین الرکن و المقام، و خروجه متوجها الی الشام، قال: و جبرئیل علی مقدمته، و میکائیل علی ساقته، یفرح به اهل السماء و الارض، و الطیر و الوحش، و الحیتان فی البحر اخرجه ابو عمر و عثمان بن سعید المقری فی سننه. [۳۱] .

حذیفه یمانی، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت - درباره قضیه حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام

[صفحه ۵۱]

خانه کعبه و خروج او به سوی شام - فرمود: و جبرئیل در راس پیشاهنگان لشگر و میکائیل در راس دنباله داران لشگر او قرار دارند، آسمانیان و زمینیان و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی به ظهور او شاد می شوند. این روایت را، ابوعمر و عثمان بن سعید مقری نیز در کتاب سنن خود نقل کرده اند.

۲۹ - اخرج احمد و الباوردی فی المعرفه، و ابو نعیم عن ابی سعید، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: بشراکم بالمهدی، رجل من قریش من امتی علی اختلاف من الناس و زلازل، فیملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما، و یرضی عن ساکن السماء و ساکن الارض، و یقسم المال صحاحا بالسویه بین الناس،

و یملا قلوب امه محمد غنی، و یسعهم عدله حتی انه یامر منادیا فینادی: من له حاجه؟ فما یاتیه احد الا رجل واحد، یاتیه یساله، فیقول: ائت السادن، یعطیک. فیاتیه، فیقول: انا رسول المهدی الیک لتعطینی مالا، فیقول: احث. فیحثی، فلا یستطیع ان یحمله. فیلقی حتی یکون قدر ما یستطیع ان یحمله فیخرج به و یندم، فیقول: انا کنت اجشع امه محمد نفسا، کلهم دعی الی هذا المال فترکه غیری، فیرده علیه، فیقول: انا لا نقبل

[صفحه ۵۲]

شیئا اعطیناه فیلبث فی ذلک ستا او سبعا او تسع سنین، و لا خیر فی الحیاه بعده. [۳۲] .

احمد و باوردی در کتاب المعرفه و ابونعیم از ابوسعید، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به مهدی بشارت باد، مردی از قریش، از بین امت من، در زمانی که مردم باهم به مخالفت و ستیز بر می خیزند و زلزله ها روی می دهد، او زمین را از عدالت و برابری پر می سازد، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد. آسمانیان و ساکنان زمین، از او راضی و خشنود می شوند. او مال را به درستی و برابری بین مردم تقسیم می کند و دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی نیازی می آکند و عدالت او همگان را شامل می شود، تا آنجا که فرمان می دهد ندا دهنده ای ندا در دهد: کیست که نیازی داشته باشد؟ پس هیچ کس جز یک مرد به نزد او نمی آید. مرد نزد او می آید و درخواست می کند، می

فرمایـد: به نزد نگهبان پرده دار برو، به تو [نیازت را] می دهد. به نزد او می رود و می گوید: من فرسـتاده مهدی هسـتم، نزدت آمـده ام که مـالی به من عطا کنی. پس می گویـد: بریز و آن قـدر از مال به دامنش می ریزد که نمی توانـد آن را حمل کنـد. پس مـال را بیرون می برد، در حالی که پشـیمان است و با خود می گویـد: من طمعکارترین و حریص ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله بودم، همه آنان به این مال فرا خوانده شدند، اما

[صفحه ۵۳]

جز من کسـی آن را قبول نکرد. پس باز می گردد و پول ها را به نگهبان پس می دهـد، او می گوید: ما چیزی را که به کسـی بخشـیدیم، باز پس نمی گیریم. پس آن حضرت، در چنان حکومتی شش یا هفت یا نه سال درنگ می کند و بعد از او، خیری در زندگانی نیست.

۳۰ - اخرج ایضا عن عبد الله، عن ابی سعید، عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی منا، اجلی الجبهه، اقنی الانف. [۳۳] .

نیز او (نعیم بن حماد)، از عبـدالله از ابوسـعید، از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضـرت فرمود: مهدی از نسل ماست، گشاده پیشانی است و وسط بینی او قدری بر آمده است.

۳۱ - اخرج نعیم بن حماد عن ابی سـعید الخدری، قال: قال رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم: سـتکون بعدی فتن، منها فتنه الاحلاس، یکون فیها حرب و هرب، ثم بعدها فتنه اشد

منها، ثم تکون فتنه. کلما قیل انقطعت تمادت حتی لا یبقی بیت الا دخلته، و لا مسلم الا ملته حتی یخرج رجل من عترتی. [۳۴]
.

[صفحه ۵۴]

نعیم بن حماد از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از من فتنه هایی رخ خواهد داد. یکی از آن فتنه ها، فتنه تنگدستی و بیچارگی و خانه نشینی خواهد بود. در آن فتنه، جنگ و گریزها به وقوع می پیوندند، و بعد از آن فتنه ای سخت تر و پس از آن فتنه ای دیگر خواهد بود. هر چه گفته می شود دیگر فتنه به پایان رسید، گسترش بیشتر می یابد، تا جائی که هیچ خانه ای نمی ماند، مگر آن که فتنه ای، آن را در بر می گیرد و هیچ مسلمانی نیست، مگر آن که فتنه ها او را دلزده و دلتنگ ساخته باشد. تا این که مردی از خاندان من قیام کند.

۳۲ - اخرج نعیم عن علی، قال: لا یخرج المهدی حتی یقتل ثلث، و یموت ثلث، و یبقی ثلث. [۳۵] .

نعیم از علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: مهدی، قیام نخواهد کرد، تا زمانی که یوم سوم مردم کشته شوند، یک سوم دیگر بمیرند و - تنها - یک سوم آنها باقی بمانند.

[صفحه ۵۵]

۳۳- اخرج ابن ابی شیبه عن مجاهد، قال: حدثنی فلان - رجل من اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و سلم،: ان المهدی لا یخرج حتی تقتل النفس الزکیه، فاذا قتلت النفس الزکیه غضب علیهم من فی السماء

و من فی الارض، فاتی الناس، فزفوه کما تزف العروس الی زوجه لیله عرسها و هو یملا الارض قسطا و عدلا و تخرج الارض نباتها و تمطر السماء مطرها و تنعم امتی فی ولایته نعمه لم تنعمها قط. [۳۶] .

ابن ابی شیبه از مجاهد نقل کرده است که گفت: فلانی - مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله - برایم روایت کرد که: همانا مهدی علیه السلام قیام نخواهد کرد تا آن زمان که نفس زکیه کشته شود. وقتی نفس زکیه کشته شد، هر کس در آسمان و هر کس در زمین است بر کشندگان او، خشمگین می شوند. پس مردم می آیند و شادمانه گرداگردش می چرند. چنانکه در شب عروسی شادمانه گرد عروس می چرخند. و مهدی علیه السلام زمین را از عدل و داد پر می کند، و امت من در زمان ولایت و حکومت او از چنان نعمتی برخوردار می شوند که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده اند.

[صفحه ۵۶]

۳۴- اخرج ابو عمرو الدانی فی سننه عن حذیفه، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء. فیقول المهدی: تقدم، صل بالناس. فیقول عیسی: انما اقیمت الصلاه لک. فیصلی خلف رجل من ولدی. [۳۷] .

ابوعمرو دانی در کتاب سنن خویش از حذیفه، نقل کرده است، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام متوجه می شود که عیسی بن مریم نازل شده است و چنان است که گویا از موهایش، آب می

چکد - مهدی علیه السلام به او می فرماید: بفرما، پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی گوید: این نماز برای اقتدای به تو بپا داشته شده. پس پشت سر مهدی علیه السلام که مردی از فرزندان من است، نماز می خواند.

۳۵ - اخرج الطبرانی فی الاوسط، و الحاکم عن ام سلمه، قالت: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یبایع الرجل بین الرکن و المقام عده اهل بدر، فیاتیه عصائب اهل العراق و ابدال اهل الشام، فیغزوه

[صفحه ۵۷]

جیش من اهل الشام حتی انتهوا بالبیداء خسف بهم. [۳۸] .

طبرانی در کتاب الاوسط و حاکم، از ام سلمه، روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عده ای به تعداد لشکریان بدر با آن مرد - مهدی علیه السلام - بین رکن و مقام کعبه، بیعت می کنند، پس جمعی از بزرگان اهل عراق و صالحین اهل شام به یاری او می آیند. پس لشگری از اهل شام با او و یارانش می جنگند، تا به منطقه ای به نام بیداء می رسند، زمین آنان را (لشگر شام) را در خود فرو می برد.

۳۶ - عن محمد بن الحنفیه - رضی الله عنه - قال: [۳۹] کنا عند علی علیه السلام، فساله رجل عن المهدی، فقال: هیهات، هیهات، ثم عقد بیده تسعا، فقال: ذلک یخرج فی آخر الزمان، و اذا قیل للرجل الله الله قیل، فیجمع الله له قوما قزعا کقزع السحاب یولف بین قلوبهم، لا یستوحشون علی احد، و لا یفرحون باحد، دخل فیهم علی عده اصحاب بدر، لم

یسبقهم الاولون و لا یدرکهم الاخرون، و علی عدد اصحاب طالوت الذین جاوزوا النهر معه. [۴۰] .

[صفحه ۵۸]

نعیم از محمد بن حنفیه نقل کرده است، که گفت: نزد علی علیه السلام بودیم، پس مردی از او درباره مهدی علیه السلام سوال کرد، آن حضرت فرمود: هیهات، چقدر دور است! سپس با دستش نه عدد شمرد [۴۱] و بعد فرمود: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و در زمانی که درباره اش گفته شود: خدا را، خدا را، که او کشته شده است، [۴۲] پس خداوند برای او، از جای جای زمین گروهی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند، گرد هم می آورد و بین دلهایشان الفت و پیوند ایجاد می کند، به گونه ای که از هیچ کس نمی هراسند و به هیچ کس شادمان نمی شوند. به تعداد اصحاب بدر در این گروه وارد می شوند، کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته و پسینیان توفیق درک و

[صفحه ۵۹]

وصول به آنان را نمی یابند و آنان به تعداد اصحاب طالوت اند که با او از نهر گذشتند.

۳۷ - اخرج ابن ماجه و الطبرانی عن عبد الله بن الحارث ابن جزء الزبیدی، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یخرج ناس من المشرق، فیوطئون للمهدی سلطانه. [۴۳] .

ابن ماجه و طبرانی از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مردمی از مشرق زمین قیام می نمایند و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می

کنند.

۳۸ - اخرج ابو غنم الکوفی فی کتاب الفتن، عن علی بن ابی طالب، قال: ویحا للطالقان، فان الله بها کنوز لیست من ذهب و لا فضه، و لکن بها رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان. [۴۴] .

ابوغنم کوفی در کتاب فتن از علی بن ابی طالب علیه السلام، روایت کرده است، که آن بزرگوار فرمود:

[صفحه ۶۰]

آه از طالقان - رحمت باد بر طالقان - خدا را در آن شهر گنجینه هایی است که از طلا و نقره نیستند، بلکه در آن مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت شناخته اند و آنان در آخر الزمان، یاوران مهدی علیه السلام خواهند بود.

۳۹ - اخرج ابو نعیم عن ابی سعید، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه. [۴۵] .

ابونعیم از ابوسعید نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نسل ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند.

۴۰ - اخرج ابو بکر الاسکافی فی فوائد الاخبار، عن جابر بن عبد الله، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من کذب بالدجال فقد کفر و من کذب بالمهدی فقد کفر. [۴۶] .

ابوبکر اسکافی، در کتاب فوائد الاخبار از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که دجال را تکذیب کند کافر شده و کسی که مهدی علیه السلام را تکذیب کند کافر شده است.

]

صفحه ۶۱]

خدای تعالی را سپاس می گویم که مرا به نقل این چهل مورد از بین احادیث وارد شده درباره حضرت مهدی علیه السلام شرافت و توفیق بخشید. کسی که در این باره، خواستار احادیثی بیشتر و بحثی گسترده تر است می تواند در کتاب های مسانید و جوامع و کتاب های مبسوطی چون بحار الانوار و العوالم و کتاب کمال الدین از شیخ صدوق و غیبت از شیخ طوسی و کفایه الاثر و کتاب ما منتخب الاثر به بررسی و تحقیق بپردازد. الحمد لله رب العالمین.

۱۲ رجب الخیر ۱۴۰۱ قم مقدسه لطف الله صافی گلپایگانی

پاورقی

[۱] ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۱.

[۲] ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲.

[۳] ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۳.

[۴] ص ۹۰، باب ۲، حدیث ۵.

[۵] ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۷.

[۶] ص ۹۱، باب ۲، حدیث ۸.

[۷] ص ۹۱ و ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۰.

[۸] ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۱.

[۹] ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۲.

[۱۰] ص ۹۲، باب ۲، حدیث ۱۳.

[۱۱] ص ۹۳ و ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۶.

[۱۲] یعنی از نظر جثه و طول قامت مثل آنهاست.

[۱۳] ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

[۱۴] ص ۹۴، باب ۲، حدیث ۱۷.

[۱۵] فی بعض النسخ الهلالی.

[۱۶] ص ۹۴ و ۹۵، باب ۲، حدیث ۱۹.

[۱۷] ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۱.

[۱۸] ص ۹۵، باب ۲، حدیث ۲۳.

[۱۹] ص ۱۰۳، باب ۴، فصل اول، حدیث ۲.

[۲۰] ص ۱۰۴، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۷.

[۲۱] ص ۱۱۲، باب ۴، فصل

۲، حدیث ۷.

[۲۲] ص ۷۱، باب ۲، حدیث ۱.

[۲۳] ص ۷۲، باب ۱، حدیث ۲.

[۲۴] ص ۷۳، باب ۱، حدیث ۴.

[۲۵] ص ۷۵، باب ۱، حدیث ۹.

[۲۶] ص ۷۶ و ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۵.

[۲۷] از اینکه در این روایت، چند مورد تصریح شده است که سید حسنی - که از نسل امام حسن علیه السلام است - حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان پسر عمو خطاب می کند، می توان استفاده کرد، که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از نسل امام حسین علیه السلام می باشد، چنانکه عقیده همه علمای شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنت است و در کتاب های مختلف از جمله منتخب الاثر مجموعه ای از روایات اهل تسنن و تشیع در این باره نقل شده است.

[۲۸] ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۳.

[۲۹] ص ۸۴، باب ۱، حدیث ۳۲.

[۳۰] ص ۸۳، باب ۱، حدیث ۲۸.

[۳۱] ص ۷۷، باب ۱، حدیث ۱۶.

[۳۲] ص ۷۹ و ۸۰، باب ۱، حدیث ۲۱.

[۳۳] ص ۹۹، باب ۳، حدیث ۳.

[۳۴] ص ۱۰۳، باب ۴، فصل ۱، حدیث ۳.

[۳۵] ص ۱۰۳ و ۱۰۴، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۴.

[۳۶] ص ۱۱۲، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۶.

[۳۷] ص ۱۶۰، باب ۹، حدیث ۹.

[۳۸] ص ۱۱۷، باب ۴، فصل ۲، حدیث ۱۸.

[۳۹] یعنی: و اخرج نعیم عن محمد بن الحنفیه.

[۴۰] ص ۱۴۴، باب ۶، حدیث ۸.

[۴۱] درباره اینکه، این نه بار، باز و بسته کردن دست، یا شمردن نه عدد با دست، (عقد

بیده تسعا) چه مفهومی دارد، گفته شده است، که حضرت علی علیه السلام به این وسیله، خواستند اشاره ای داشته باشند به اینکه تعداد امامان معصوم از نسل حسین علیه السلام نه نفر است که نهمین آنان مهدی علیه السلام است، از این رو وقتی به نهمین شماره رسیدند فرمودند: ذلک یخرج فی آخر الزمان.

[۴۲] عبارت متن کتاب عبارتست از: الله الله قیل یعنی خدا را، خدا را، گفته شده است. لکن ظاهر اینست که عبارت صحیح به این گونه باشد: الله الله قتل یعنی خدا را، خدا را، او کشته شده است. با این همه در کشف الاستار به گونه ای دیگر آمده است: اذا قال الرجل: الله تعالی قتل یعنی مردی گوید که خدا او را کشته است. و افزوده است که حافظ ابوعبدالله حاکم در کتاب مستدرک خود آن را نقل کرده و گفته است که این حدیث، بر مبنای بخاری و مسلم صحیح شمرده می شود، اگر چه خود آن دو ذکری از آن ندارند.

[۴۳] ص ۱۴۷، باب ۷، حدیث ۲.

[۴۴] ص ۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱۴.

[۴۵] ص ۱۵۸، باب ۹، حدیث ۱.

[۴۶] ص ۱۷۰، باب ۱۲، حدیث ۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹